

**The legal nature of transnational armed conflict: in the context of non-international armed conflict**

Hassan Sayadi <sup>1</sup>  
Seyed Yaser Ziyai <sup>2</sup>

Received Date: 22 March 2021  
Reception Date: 25 April 2021

**Abstract:**

Nowadays, by emerging new Actors in the name of Non-State Armed Groups (Transnational Armed Groups) in worldwide, the nature of Conflicts has been changed and transformed; so that, concept of traditional division of conflict to Non-International Armed conflict and International Conflict has been confronted by challenges. Determining of Armed Hostilities between States and such Groups which are based in territory of other states (Transnational Armed Conflicts) caused difficulties regarding to classification of Conflicts and raises the question of which category of conflicts (International, Non-International, Internationalized, International and Non-International or qua Non- International) it should be classified. Should the substantive rules referred to in Common art.3 and APII of Geneva Conventions is transformed to Customary Law; then, the Extraterritorial Armed Conflicts against Non-State Armed Groups shall be applicable. As a matter of fact, however changing of formal aspect of Non-International Armed Conflict definition is too hard, but concept of International Humanitarian Law referred in International Documents for such conditions can be applied through International Customary Law. In this

---

<sup>1</sup> . Ph.D. student of Public International Law, Faculty of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. [hhsayyadi@gmail.com](mailto:hhsayyadi@gmail.com)

<sup>2</sup> . Associate Professor, Department of International Law, University of Qom, Qom, Iran. (corresponding author)

case, it is possible to say that such conflict shall be qua Non-State Armed Conflicts.

**Key Words:** Transnational Armed Groups, Non-State Actors, Armed Conflicts Law, Self-defence, International Armed Conflicts Law and Non-International Armed Conflicts.

**ماهیت حقوقی مخاصمات مسلحانه فراملی: در حکم مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲

حسن صیادی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۵

سید یاسر ضیایی<sup>۲</sup>**چکیده**

امروزه ظهور بازیگران جدید تحت عنوان گروه‌های مسلح غیردولتی (فراملی)، مخاصمات مسلحانه را دچار دگرگونی و دگرگونگی کرده و مفهوم سنتی تقسیم بندی مخاصمات به بین‌المللی و غیربین‌المللی را با چالش مواجه نموده است. تعیین وضعیت خصومت مسلحانه بین دولت‌ها و گروه‌های فراملی که در سرزمین سایر دولت‌ها مستقر می‌باشند (مخاصمات مسلحانه فراملی)، سبب شده که طبقه بندی این نوع مخاصمات با مشکل مواجه شده و این پرسش را ایجاد نماید که این مخاصمات در کدام طبقه بندی از مخاصمات مسلحانه (بین‌المللی، غیربین‌المللی، بین‌المللی شده، بین‌المللی-غیربین‌المللی یا در حکم غیربین‌المللی) قرار دارد؟ چنانچه قواعد ماهوی مذکور در ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون ژنو، جنبه عرف بین‌المللی پیدا کنند، مفاد آن در وضعیت مخاصمه مسلحانه علیه گروه‌های

۱. دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

[hhsayyadi@gmail.com](mailto:hhsayyadi@gmail.com)

۲. دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول) [yaserziaee@gmail.com](mailto:yaserziaee@gmail.com)

مسلح غیردولتی در خارج از سرزمین دولت متخاصم قابل اعمال خواهد بود. در واقع هرچند تعریف متخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی که جنبه شکلی دارد به آسانی در حقوق عرفی تغییر نمی‌یابد، اما محتوای حقوق بشردوستانه مذکور در این اسناد بین‌المللی می‌تواند برای چنین وضعیت‌هایی از مسیر عرف بین‌المللی قابل اعمال باشد. در این صورت می‌توان گفت این مناصمات «در حکم متخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی» است.

**کلید واژه:** گروه‌های مسلح فراملی، بازیگران غیردولتی، حقوق مناصمات مسلحانه، متخاصمه مسلحانه بین‌المللی، متخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی.

## مقدمه و بیان مسئله

امروزه، جامعه جهانی با توانایی گروه‌های مسلح غیر دولتی فراملی در برنامه ریزی و کشتن انسانها به تعداد زیاد آشنا و متوجه شده‌اند که باید اقداماتی برای بررسی ماهیت حقوقی برخورد با این گروه‌ها به عمل آورند. در برخورد دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیر دولتی فراملی تعیین ماهیت این دسته از مخاصمات مسلحانه می‌تواند به تعیین حقوق بشردوستانه قابل اعمال در مخاصمه مسلحانه، تعهدات مربوط به محدودیت استفاده از برخی سلاح‌ها، جایگاه دفاع مشروع، بی‌طرفی و غیره منجر شود.

طبقه‌بندی این نوع مخاصمه موضوعی بسیار مشکل می‌باشد؛ گرچه، برخی نویسندگان آن را در حوزه مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی قرار داده‌اند؛ ولی، باید گفت که مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی دارای عناصر تعیین‌کننده از جمله حوزه سرزمینی و آستانه شدت خشونت می‌باشد که با خاتمه مخاصمه در سرزمین مربوطه، مخاصمه نیز پایان یافته و قواعد حقوق بشردوستانه در رابطه با آزادسازی اسرا، بازسازی مناطق جنگی و غیره ادامه پیدا می‌کند. نظر به اینکه، در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی فراملی آستانه خشونت و موقعیت جغرافیایی یا سرزمینی مخاصمه از عناصر تعیین‌کننده این نوع از مخاصمات نمی‌باشد، اعمال قواعد حقوق بشردوستانه مربوط به مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی را با مشکل مواجه می‌سازد. در این مقاله سعی شده است مبحث طبقه‌بندی (تیپ‌شناسی) این نوع از مخاصمات در حوزه مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی بر پایه نظریه‌های حقوقدانان و اقدامات این گروه‌ها در کشور های ثالث فارغ از سایر آثار گفته شده، بررسی گردد. همچنین، به این مسئله پرداخته می‌شود که فارغ از مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی، نیازی به ارایه تعریف وضعیت ویژه‌ای خواهد بود یا خیر؟ فرضیه این مقاله این است که با توجه به ضرورت‌های نوین روابط بین‌الملل و فقدان کفایت تعاریف موجود در کنوانسیون‌های ژنو لازم است تا این نوع مخاصمات را «در حکم غیر بین‌المللی» قرار داد تا حقوق بشردوستانه بین‌المللی مندرج در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل دوم الحاقی در آنها قابل اعمال باشد.

در نهایت سوال اصلی تحقیق اینگونه تدوین میشود: ماهیت حقوقی مخاصمات مسلحانه فراملی چگونه است؟

### ۱- تعریف مخاصمه مسلحانه

در حقوق بین‌الملل تعریف خاص و واحدی از «مخاصمه مسلحانه» آنگونه که در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن بکار می‌رود، وجود ندارد (Schmitt, 2012: 459)؛ ولی، بنابر تعریف دیوان دائمی داوری در رای ۱۱ نوامبر ۱۹۱۲ راجع به قضیه غرامت جنگی ترکیه به روسیه، مخاصمه مسلحانه عبارت است از «یک واقعه بین‌المللی» (روسو، ۱۳۶۹: ۹). تصمیمات و آرای قضایی کمک بسیار اندکی برای شفاف‌سازی عبارت «مخاصمه مسلحانه» نموده است (دادستان علیه تادیچ، ۱۹۹۵: ۷۰).<sup>۱</sup> دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ بیشترین اشاره به آنچه که مبنای «مخاصمه مسلحانه» می‌باشد را داشته است (Slaughter and White, 2002: 4-5). در رای مزبور دادستان اعلام می‌نماید که عبارت «مخاصمات مسلحانه» در معاهدات بین‌المللی تعریف نشده است، لذا پیشنهاد می‌کند مخاصمه مسلحانه هنگامی در نظر گرفته شود که مناقشه مسلحانه‌ای بین دولت‌ها و یا بین مقامات حکومتی با گروه‌های مسلح سازمان یافته در درون یک کشور حادث گردد (Boothby, 2014: 34).

مفهوم مخاصمه مسلحانه تاکنون در دیدگاه‌های مختلف جنبه واحدی پیدا نکرده است (روسو، ۱۳۶۹: ۹-۱۰). کنوانسیونها و پروتکل‌های ژنو نیز به تعریف مخاصمه مسلحانه نپرداخته و تنظیم‌کنندگان پیش‌نویس این کنوانسیون‌ها به عمد تعریف مخاصمه مسلحانه بین‌المللی را حذف کرده و امیدوار بودند تا کاربرد قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را جذاب‌تر نمایند. این امید تا حد بسیار زیادی نیز نتیجه بخش بود (O'Connell, 2010: 22-23). از طرف دیگر، مطابق با کنوانسیون حقوق معاهدات وین «یک معاهده با حسن نیت و منطبق با معنای معمولی آن که باید بر پایه سیاق متن و در راستای اهداف و مقاصد آن باشد تفسیر

<sup>۱</sup> . Prosecutor V. Tadic.

گردد»؛ بنابراین، در مرحله نخست و جهت اطمینان از معنی عبارت «مخاصمه مسلحانه» در حقوق بین‌الملل باید هم به منطوق و هم به مقصود کنوانسیون‌های ژنو دقت نمود (Balendra, 2008: 2468-2469).

کنوانسیون‌های ژنو، مخاصمات را به صورت سنتی به دو گروه متمایز تفکیک نموده است. یعنی مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی که حمایت کامل حقوق بشردوستانه فقط در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی اعمال می‌گردد. لذا، مطابق با بند ۱ ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، هنگامی یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی اتفاق خواهد افتاد که مخاصمه ای بین دو یا چند دولت اعم از اعلام شده یا نشده حادث گردد (Vite, 2009: 70-71)؛ ولی، بند ۴ ماده ۱ پروتکل اول الحاقی به مبارزه برای "حق تعیین سرنوشت"، "سلطه استعماری" و "اشغال بیگانه و بر ضد نظام‌های نژاد پرستی" اشاره داشته که در مقابل تعریف ماده ۲ مشترک می باشد (سیاه رستمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۳۲). مطابق با تفاسیر کنوانسیون‌های ژنو، تفاوتی نمی‌کند که چه مدت یک مخاصمه ادامه داشته باشد و یا چه تعداد کشته از خود بجای بگذارد (Balendra, 2008: 2469). لذا، نظر به اینکه تنها دولت‌ها هستند که می‌توانند طرف یک معاهده واقع گردند، بنابراین و بطور سنتی این دولت‌ها هستند که می‌توانند طرف مخاصمه واقع گردند (Pictet, 1952: 32). از سویی دیگر، با مطالعه ماده ۳ مشترک هر چهار کنوانسیون ژنو متوجه می شویم که بخش کوچکی از حمایت بشردوستانه شامل طبقه دوم از مخاصمه مسلحانه می شود که مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی نامیده می‌شود. این نوع مخاصمه «در سرزمین» یک دولت طرف معاهدات ژنو به وقوع می‌پیوندد. بنابراین، با وقوع مخاصمات بین دولت‌ها یا دولت‌ها با گروه‌های داخلی خود، حقوق مخاصمات مسلحانه اعمال می‌شود، حتی اگر دولت‌های درگیر در مخاصمه وجود مخاصمه را انکار نمایند (Hoffmann, 2015: 3). از طرف دیگر، مخاصمات مدرن بطور ناگهانی طی سال‌های بعد از کنوانسیون‌های ژنو دچار تغییرات دینامیکی شده است که بازیگران جدیدی را مانند شرکت‌های نظامی خصوصی،

۱- کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات وین، ماده ۳۱.

مشارکت‌های چند ملیتی، گروه‌های مسلح فراملی و یا کارتل‌های مواد مخدر را شامل می‌شود (...: Chelimo, 2011). مهمترین چالشی که در این وضعیت‌ها کنوانسیون‌های ژنو با آن مواجه شده است این می‌باشد که این کنوانسیون‌ها نتوانسته‌اند خود را با وضعیت به وجود آمده (مخاصمه بین یک دولت با یک یا چند بازیگر مسلح غیردولتی فراملی تحت عنوان تروریسم نوین) (Rona, 2003: 57) تطبیق نموده و طرحی جامع برای تحت پوشش قراردادن این وضعیت‌های نوین ارایه نمایند. حتی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز مخاصمات را صرفاً به دو گروه بین‌المللی و غیربین‌المللی تقسیم نموده است (مقاله کمیته صلیب سرخ بین الملل، ۲۰۰۸).

بنابراین، هنگامی که یک مخاصمه در چارچوب هنجاری مذکور در کنوانسیون‌های ژنو تحت عنوان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قرار نگیرد، مفاد و اهداف این کنوانسیون‌ها راهکار شفاف‌ی جهت طبقه‌بندی این نوع از مخاصمات ارایه نمی‌کنند (Balendra, 2008: 2476). برای مثال، بنابر تعریف مضیق از این کنوانسیون‌ها «جنگ علیه تروریسم» در واقع مخاصمه محسوب نمی‌شود (حبیب زاده توکل، ۱۳۸۶). این پژوهش به دنبال یافتن ماهیت مخاصمه با چنین گروه‌های مسلح فراملی است که دولت متخاصم در خارج از سرزمین خود با آن مبارزه می‌نماید.

## ۲- تعریف گروه‌های مسلح غیردولتی فراملی

یک دولت عمل نمی‌کند.<sup>۱</sup> این تعریف در خصوص بازیگران مسلح غیردولتی که اقدامات خصمانه خود را محدود اصطلاح «بازیگران یا فعالان غیردولتی» بر «هر نهادی که دولتی نمی‌باشد»، اطلاق می‌گردد. بند ن ماده ۱ کنوانسیون کامپلا در تعریف بازیگر غیردولتی عنوان می‌کند که «بازیگران خصوصی هستند که مامور دولتی نمی‌باشند».<sup>۲</sup> در بعضی از متون، منظور از بازیگران غیردولتی گروه‌های جامعه مدنی، مدافع حقوق بشر و در برخی دیگر، گروه‌های غیرمدنی بوده است که به منظور دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و اقدامات خشونت آمیز

<sup>۱</sup> . United Nations Security Council, 2004 (28 April), S/RES/1540.

<sup>۲</sup> . African Union Convention for the Protection and Assistance of Internally Displaced Persons in Africa ("Kampala Convention"), 22 October 2009.



تلاش می‌کنند (محبی و شفیع، ۱۳۹۶: ۹۲). قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد در تعریف بازیگران غیردولتی بیان می‌کند که «فرد یا موجودیتی که در انجام فعالیت‌هایی که در حدود انجام این قطعنامه می‌گنجد، به موجب اختیاری قانونی از جانب به یک سرزمین کرده‌اند، می‌باشد؛ ولی، می‌تواند گروه‌های مسلح فراملی را نیز دربرگیرد (خلف رضایی، ۱۳۹۸: ۲۵۳). گروه‌های مسلح فراملی در واقع همان گروه‌ها، فعالان یا بازیگران مسلح غیردولتی هستند که فراتر از مرزهای یک سرزمین اقدامات خصمانه نظامی انجام می‌دهند. گروه‌هایی مانند القاعده، داعش، بوکوحرام و غیره از جمله این بازیگران می‌باشند. مبارزه دولت با این گروه‌ها می‌تواند در داخل سرزمین‌های خود و یا در خارج از سرزمین‌های خود صورت گیرد. در خصوص ماهیت مخاصمه دولت با گروه‌های مسلح فراملی در داخل سرزمین خود مشکل چندانی وجود ندارد. به عبارت بهتر شرط «سرزمین دولت متخاصم» در ماده ۳ مشترک بیانگر این است که هر گونه مخاصمه مسلحانه‌ای در داخل سرزمین دولت عضو با گروه‌های غیردولتی، مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی است. مشکل در جایی است که مخاصمه دولت با گروه‌های مسلح فراملی در خارج از سرزمین خود اتفاق بیفتد و این پژوهش به این بخش از مخاصمه با گروه‌های فراملی می‌پردازد.

### ۳- مفهوم مخاصمه مسلحانه فراملی

«مخاصمات مسلحانه فراملی» که از آن به «مبارزات فرادولتی»<sup>۱</sup> و «مخاصمات مسلحانه برون‌دولتی»<sup>۲</sup> نیز یاد شده است، عبارتی است که نشانگر کاربرد نیروهای نظامی رسمی یک دولت در فراسوی مرزهای زمینی خود علیه دشمن مسلح غیردولتی فراملی می‌باشد. (Corn, 2007: 300) اما، آنچه که امروزه به ما درباره مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی گفته می‌شود با آنچه که در گذشته وجود داشته است کاملاً متفاوت می‌باشد. هم‌اکنون مفهوم مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی سنتی با توجه به ماهیت حضور بازیگران مسلح غیردولتی در چندین سرزمین تغییر پیدا کرده است. هم‌اکنون گفته می‌شود که مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی

<sup>۱</sup> Extra-State Hostilities.

<sup>۲</sup> Extra-State War

سنتی متصل به «مخاصمات مسلحانه فراملی نامتقارن»<sup>۱</sup> شده و همین موضوع سبب نوعی بلا تکلیفی در اطراف ماهیت این نوع از مخاصمه شده است (Graham, 2012: 43-51). یکی از عبارات مرتبط با مخاصمه مسلحانه فراملی، «کشتار هدفمند» است. این عبارت به صورت شفاف در حقوق بین‌الملل تعریف نشده است، اما بعد از سال ۲۰۰۰ میلادی توسط دولت اسرائیل رواج داده شده است که شامل حمله نظامی به تروریست‌ها در سرزمین فلسطین می‌باشد. این عمل استفاده از نیروی مرگ آور توسط سازمان‌های جاسوسی یا نیروهای مسلح دولتی انجام می‌شود که اخیراً استفاده از موشک‌های کروز برای حمله به نقاطی که از آنجا اقدامات تروریستی انجام شده است، بسیار رواج پیدا کرده است. تمرکز اصلی دولت ایالات متحده آمریکا از کشتار هدفمند، خصوصاً استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین، حمله به شبکه رهبری طالبان و القاعده در افغانستان و در منطقه قبیله نشین پاکستان بوده است، گرچه یمن نیز بعداً به افزوده گردید (...: Masters, 2013).

#### ۴- مخاصمه مسلحانه با گروه‌های فراملی به مثابه مخاصمه مسلحانه بین‌المللی

ممکن است برخی این تصور را داشته باشند که همان منطبق طبقه‌بندی مخاصمات یوگسلاوی سابق، در مخاصمات مسلحانه فراملی وجود دارد و آنها را در طبقه‌بندی مخاصمات مسلحانه بین‌المللی قرار می‌دهد. از نظر بشردوستی اگر، نظام حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی به اندازه نظام حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، حمایت‌گرایانه نباشد، در اینصورت، طبقه‌بندی مخاصمات مسلحانه فراملی در داخل مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از منظر بشردوستانه دارای اولویت می‌باشد.

گروهی دیگر از علمای حقوق بین‌الملل این استدلال را ارایه می‌کنند که مخاصمات مسلحانه علیه بازیگر مسلح فراملی در سرزمین دولت ثالث و بدون رضایت دولت، بین‌المللی خواهد بود. این تفسیر بر مبنای اعمال هرگونه توسل به زور علیه سرزمین دولت ثالث استوار می‌باشد، حتی اگر صرفاً اعضای گروه‌های مسلح غیر دولتی مورد هدف قرار گیرند. مبنای این تفسیر این است که توسل به زوری که علیه گروه مسلح فراملی انجام می‌شود نقض

<sup>۱</sup> . Asymmetric Transnational Armed Conflicts.

حاکمیت سرزمینی دولت میزبان شناخته می‌شود. به عبارت دیگر هرگونه هدف‌گیری گروه‌های مسلح فراملی توسط دولت خارجی در سرزمین دولت میزبان به مفهوم هدف‌گیری افراد و اموال دولت سرزمینی خواهد بود (Shereshevsky, 2016: 481). لذا چنین مخاصماتی به مخاصمه مسلحانه بین دو دولت تفسیر می‌شود و در نتیجه مخاصمه، بین‌المللی خواهد بود.

دیوان عالی رژیم صهیونیستی اولین ارگان قضایی دولتی بود که مخاصمات مسلحانه فراملی را به عنوان مخاصمه مسلحانه بین‌المللی طبقه بندی نمود. دیوان مزبور این رویه را انتخاب می‌کند که حتی اگر یک طرف مخاصمه مسلحانه یک گروه مسلح غیردولتی باشد و آن مخاصمه در سرزمین دولتی ثالث اتفاق افتد، چنین مخاصمه‌ای بین‌المللی خواهد بود (Radin, 2013: 703). لذا، این دیوان رای می‌دهد که مخاصمات مسلحانه نامتقارن اسرائیل با گروه‌های فلسطینی و حزب الله لبنان خصوصاً در مورد کشتار هدفمند، جزو مخاصمات مسلحانه بین‌المللی می‌باشد (Shereshevsky, 2016: 480). در این پرونده، دیوان عالی این رژیم به نظرات حقوقی آنتونیو کاسسه استناد کرده و اعلام می‌کند هر مخاصمه مسلحانه‌ای که در حوزه مربوط به اشغال انجام شود به عنوان یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی طبقه بندی خواهد شد. این دیوان خود را مقید به اشغال نکرده و نتیجتاً در تعریف مخاصمات مسلحانه بین‌المللی اعلام می‌کند که «هر مخاصمه‌ای که از مرزهای این دولت عبور کند؛ خواه در مکانی که چنین مخاصمه‌ای در آن رخ دهد، در معرض اشغال متخاصمین باشد یا نباشد». (Israel Law Report, 2006) این تفسیر مورد حمایت کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد برای مخاصمه لبنان و اسرائیل در سال ۲۰۰۶ نیز قرار گرفته است (Akande, 2012: 75-76).

باید توجه داشت چنانچه دولت خارجی بر اقدامات گروه‌های غیردولتی کنترل مؤثر و مستقیمی داشته باشد، این اقدامات منتسب به دولتی است که آنرا هدایت می‌کند. در چنین حالتی اینگونه مخاصمات قطعاً مشمول تعریف مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است. در این موارد گروه غیردولتی همچون بازو و ارگان دولتی خارجی عمل کرده که حتی می‌تواند حق دفاع مشروع موضوع ماده ۵۱ منشور را نیز برای دولت قربانی به همراه آورد (ضیایی، ۱۳۸۹: ۱۷۷).

با این حال بسیاری از گروه‌های مسلح فراملی و خصوصاً گروه‌های تروریستی بدون وابستگی کامل به یک دولت اقدام می‌کنند. در این صورت با توجه به اینکه دولت خارجی مستقیماً حاکمیت دولت میزبان گروه مسلح فراملی را مورد هدف قرار نمی‌دهد و با توجه به فقدان اعلام جنگ دولت متخاصم علیه دولت میزبان، نمی‌توان به راحتی قائل به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی شد.

#### ۵- مخاصمه مسلحانه با گروه‌های فراملی به مثابه مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی

در جایی که دولت با رضایت دولت میزبان گروه‌های غیردولتی در آن دولت به آنها حمله کند، در واقع به نمایندگی از دولت میزبان با آن گروه مبارزه می‌کند و لذا مخاصمه ماهیت خود را که مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی است حفظ خواهد کرد. اما مسئله در جایی است که دولت متخاصم بدون رضایت دولت میزبان به گروه‌های غیردولتی حمله می‌کند. بیشتر بازیگران دولتی مخاصمات مسلحانه تمایل دارند که مخاصمه مسلحانه فراملی در طبقه‌بندی مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی باشد.

نقطه آغازین بحث بیشتر حقوقدانان راجع به طبقه‌بندی مخاصمات مسلحانه فراملی، ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو است. در باور آنها مخاصمات مسلحانه بین‌المللی باید بین دو یا چند دولت عضو متعاهد بوده و لذا برای مخاصمات بین یک دولت و یک بازیگر غیردولتی فاقد کاربرد می‌باشد (Jinks, 2003: 38) در این رویکرد برای ارزیابی بین‌المللی یا غیربین‌المللی بودن ماهیت مخاصمه مسلحانه عنصر جغرافیایی ملاک نیست (Graham, 2012: 52)، بلکه عامل تعیین کننده ماهیت مخاصمات، ماهیت طرفین درگیر در مخاصمه است (Zegveld, 2002: 136; Paulus & Vashalunadze, 2009: 873). تعریف ماده ۳ مشترک نیز که خود گواه مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی میان یک دولت و بازیگر غیردولتی می‌باشد (Shereshevsky, 2016: 480).

برخی معتقدند هر مخاصمه مسلحانه‌ای که در طبقه‌بندی بین‌المللی قرار نگیرد، به ناچار یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی خواهد بود.<sup>۱</sup> در این خصوص فحوای مطالب معاهدات

<sup>۱</sup> . See, Lubell Noam, pp. 431-436. And Sivakumaran Sandesh, pp. 228-232.

حقوق بین الملل بشردوستانه مبهم می باشد؛ از یک سو، ماده ۳ مشترک اشاره به مخاصمات مسلحانه ای دارد که فاقد ماهیت بین المللی می باشد و پروتکل دوم به مخاصماتی اشاره می کند که تحت پوشش پروتکل نخست قرار نمی گیرند. دیوان عالی ایالات متحده در پرونده «حمدان» معتقد بود کلیه مخاصمات مسلحانه باید در چارچوب مقررات قانونی قرار گیرد و بنابراین هر مخاصمه ای که در طبقه بندی مخاصمات مسلحانه بین المللی قرار نگیرد، لاجرم باید در حوزه مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی قرار گیرد تا از غیرنظامیان و اموال آنها به لحاظ اصول بنیادین تمایز، تناسب و ضرورت حمایت به عمل آید ( US Supreme Court, 2006).

با این حال ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم تصریح می کنند که دولت عضو که علیه گروه غیردولتی می جنگد باید تنها در «سرزمین خود» مشمول قواعد حقوق بشردوستانه تلقی گردد. از این خصلت به "صلاحیت سرزمینی"<sup>۱</sup> یاد می شود (Dominika, 2008: 8). بنابراین مبارزه دولت عضو کنوانسیون یا پروتکل با شورشیان سوماتالی در آبهای بین المللی نمی تواند اجرای این پروتکل را به همراه داشته باشد. مثال دیگر مبارزات میان ترکیه با گروه شورشی و جدایی طلب پ ک ک (شاخه نظامی کردهای جدایی طلب) در خاک عراق و نیز مبارزات اسرائیل علیه فلسطینیان در خاک سوریه و مبارزات اسرائیل علیه حزب الله در خاک لبنان و نیز درگیری پرو با شورشیان FARC در خاک کلمبیا است (Dominika, 2008: 7).

برخی حقوقدانان با رویکرد تفسیر انعطاف پذیر در خصوص ماده ۳ مشترک اعتقاد دارند که جایگزینی برای تفسیر متن گرا از ماده ۳ مشترک وجود دارد و آن اینکه اشاره به سرزمین یکی از طرفین معاهده لزوماً به معنی سرزمین طرف مخاصمه نمی باشد؛ بلکه، اصولاً اشاره به سرزمین یکی از طرفین معاهده به معنی سرزمین یک دولت طرف معاهده می باشد (Sassòli, Marco, 2006, pp. 8-9). همچنین استفاده از عبارت «مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی» به جای عبارت «مخاصمات مسلحانه داخلی» از این فرضیه حمایت و می کند که هر مخاصمه ای که بین المللی نمی باشد، در واقع غیر بین المللی خواهد بود. استدلال دیگر آن است که حتی

<sup>۱</sup> . Ratione loci.

اگر آثار یک حمله در سرزمین یک دولت طرف معاهده احساس گردد، بنابراین کافی خواهد بود که ماده ۳ مشترک در آن نقش داشته باشد.

مواد ۱ و ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رواندا نیز صلاحیت قضایی خود را توسعه داده و قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی را به دولت‌های همسایه نیز تسری می‌نماید. این موضوع تایید می‌کند که حتی اگر مخاصمات از مرزهای سرزمینی یک دولت عبور کند، باز مخاصمه مزبور غیربین‌المللی باقی خواهد ماند. در این نگرش، مخاصمات بین‌المللی از غیربین‌المللی بواسطه طرفین مخاصمه از یکدیگر متمایز هستند و اساساً حوزه جغرافیایی مخاصمه مسلحانه تاثیری بر شناسایی نوع مخاصمه مسلحانه نخواهد داشت (Sassoli, 2004: 200-201).

برخی از حقوقدانان علاوه بر تفسیر متنی، استدلالی هنجارگرا را پیشنهاد کرده و معتقدند حقوق مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی چارچوب حقوقی بسیار مناسبتری برای مخاصمه‌ای است که این گروه‌ها در آن مشارکت دارند (Lubell, 2012: 434). به عبارت دیگر، معلوم نیست چرا قربانیان مخاصمات مسلحانه که به سرزمین چندین دولت سرازیر می‌شوند باید از حمایت کمتری نسبت به کسانی که این مخاصمه محدود به سرزمین یک دولت است، برخوردار باشند.

با این حال چنین تفسیر انعطاف‌پذیر و موسعی از مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی در کارهای مقدماتی انجام شده برای تدوین کنوانسیون‌های ژنو مورد تایید و حمایت نبوده است؛ برعکس، به نظر می‌رسد که ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم صرفاً برای مخاصمات داخلی تدوین شده است. نمایندگان دیپلماتیک حاضر در این کنفرانس منظورشان از مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی همان مخاصمات مسلحانه داخلی بوده است.<sup>۱</sup> واقعیت این است که مخاصمات مسلحانه فراملی بخشی از گفتگوهای انجام شده برای تدوین کنوانسیون‌های ژنو نبوده و تهیه کنندگان پیش نویس این کنوانسیون‌ها تصویری در خصوص این نوع مخاصمه

<sup>۱</sup> . See, e.g., U.N. Special Comm., II Final Record of the Diplomatic Conference of Geneva of 1949, sec. B, at 41.

نداشتند و صرفاً مخاصمه ای را در نظر داشتند که داخلی بوده و در سرزمین یک دولت متعاقد اتفاق می افتاد.<sup>۱</sup> چنین تجزیه و تحلیلی از مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی را می توان برای پروتکل دوم الحاقی نیز بکار گرفت که تعریف می کند این نوع مخاصمه در سرزمین یکی از طرفین معظم معاهده اتفاق می افتد (Shereshevsky, 2016: 477). همچنین، ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین که امروزه تبدیل به یک قاعده عرفی شده است، تأکید می کند که معاهدات با حسن نیت و مطابق با مفهوم عادی در پرتو اهداف و مقاصد آن باید تفسیر گردد. لذا، ماده ۳ مشترک کنوانسیونهای چهار گانه ژنو، بند ۳ ماده ۵۱ پروتکل الحاقی نخست و بند ۳ ماده ۱۳ پروتکل الحاقی دوم باید در معنای عادی خود مطابق با اهداف و مقاصد این معاهدات تعبیر و تفسیر گردد (Coller, 2015: 406). بنابراین مخاصمات مسلحانه با گروه‌های مسلح فرامرزی در خارج از سرزمین دولت متخاصم را نمی‌توان مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی دانست.

#### ۶- مخاصمه مسلحانه با گروه‌های فراملی به مثابه مخاصمه مسلحانه بین‌المللی -

##### غیربین‌المللی

ممکن است تصور شود که در چنین مخاصماتی، مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (میان دو دولت) و مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی (میان دولت و گروه مسلح فراملی) به موازات هم وجود دارد؛ بنابراین، شاید بتوان گفت یک تفکیک واقعی بین این دو مخاصمه در حوزه مخاصمات فراملی ممکن نباشد، به این دلیل که هدف قرارداد گروه‌های مسلح فراملی توسط دولت خارجی در سرزمین دولت ثالث به صورت غیر قابل اجتنابی این فرضیه را مطرح می‌سازد که این گروه‌ها متعلق به دولت سرزمینی و یا تحت حمایت آن دولت می‌باشد (Shereshevsky, 2016: 481). شوندورف معتقد است که قواعد و مقررات حقوق

۱. ر ک، به ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات وین که از جمله ابزار کمکی برای تفسیر معاهدات را کارهای مقدماتی و اوضاع و احوال ناظر بر انعقاد معاهده را به منظور تأیید معنای متخذ از اجرای ماده ۳۱ بر شمرده است.

بین‌الملل بشردوستانه برای مخاصمات بین‌المللی و غیر بین‌المللی به همراه قواعد حقوق بشری را باید به صورت ترکیبی بر چنین خصومت‌هایی اعمال نمود (Schondorf, 2004: 61-75). برخی از حقوقدانان بین‌المللی<sup>۱</sup> عنوان می‌کنند که وجود مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی به صورت موازی که در اولی دولت‌ها با یکدیگر و در دومی دولت‌ها با گروه‌های مسلح غیردولتی مخاصمه می‌نمایند، امکانپذیر نمی‌باشد (Shereshevsky, 2016: 481). قائل شدن ماهیت بین‌المللی-غیربین‌المللی برای مخاصمه علیه گروه‌های فراملی در خارج از سرزمین دولت متخاصم، مشکلاتی را همچنین در خصوص اعمال حقوق بشردوستانه بین‌المللی ایجاد می‌کند.

#### ۷- مخاصمه مسلحانه با گروه‌های فراملی به مثابه مخاصمه مسلحانه بین‌المللی شده

مخاصمات مسلحانه دارای عناصر متعددی در ذات خود بوده و با تغییر این عناصر در طی زمان نوع آن نیز تغییر خواهد کرد (Sarkees, 2000: 23). چنین تغییر ماهیتی اکثراً در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی امری رایج می‌باشد؛ ولی، می‌توان گفت این تغییر شکل عملاً در هر نوعی از مخاصمات ممکن است اتفاق بیافتد.

مفهوم مخاصمه مسلحانه بین‌المللی شده را در وضعیت‌های زیر می‌توان اطلاق نمود: اول در انتساب اعمال گروه غیردولتی به دولت خارجی. دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ از این نظریه پشتیبانی می‌کند که اگر اعمال گروه مسلح غیردولتی به دولتی منتسب شود چنین مخاصمه مسلحانه ای بین‌المللی خواهد شد و گروه مزبور عامل بالفعل دولت حامی خواهد بود (Eechaute, 2015-2016: 31). در صورتی که، دولت سرزمینی مقرر چنین گروه‌هایی اقدام به حمایت و پشتیبانی از آنها کرده باشد (Hakimi, 2015: 9) و دولت آسیب دیده به ناچار اقدام به حمله نظامی علیه دولت حامی با استناد به دفاع مشروع بر مبنای ماده ۵۱ منشور ملل متحد کند،<sup>۲</sup> مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی مزبور

<sup>۱</sup> . See, Konstantinos Mastorodimos, p. 311. And Also, Yair M. Lootsteen, p. 127.

<sup>۲</sup> . African Union, African Union Non-Aggression and Common Defence Pact, 2005, art. 1(c)(xi).  
available at <http://www.african-court.org/en/images/documents>



به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی تغییر وضعیت خواهد داد. از این مخاصمه به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی شده یاد می‌شود. در صورتی که، چنین گروهی دارای پایگاه‌های متعدد در چندین سرزمین باشند، اقدام نظامی دولت آسیب دیده علیه این گروه در سرزمین دولت‌هایی که از آنها حمایت نمی‌کنند، از نوع مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی باقی خواهد ماند. برای نمونه، مخاصمه مسلحانه ایالات متحده و هم پیمانان این کشور علیه گروه فراملی القاعده نه تنها در افغانستان، بلکه در پاکستان و حتی سایر کشورها ادامه دارد (Sarkees and et al, 2003: 57) در این حالت مخاصمه در افغانستان بین‌المللی شده و در پاکستان غیربین‌المللی خواهد بود.

دوم در مواردی که در مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی، دولت خارجی وارد مخاصمه شود. در مواردی که دولت با گروه‌های غیردولتی در داخل سرزمین خود مبارزه می‌کند چنانچه با مداخله نظامی دولت خارجی در حمایت از بازیگران غیردولتی مواجه شود، وضعیت از مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی شده تغییر ماهیت می‌دهد. سوم در جایی که وضعیت بازیگر غیردولتی در اثنای مخاصمه به وضعیت متخاصم تغییر ماهیت دهد. به عبارت دیگر، اگر طرفی که بخش عمده سرزمین محل مخاصمه را به عهده دارد تغییر ماهیت دهد و مثلاً تبدیل به دولت مورد شناسایی شود، وضعیت از مخاصمه غیربین‌المللی به مخاصمه بین‌المللی شده تغییر وضعیت می‌یابد. بنابراین، وقتی که ماهیت مخاصمه تغییر می‌کند، طبقه‌بندی یک مخاصمه خاتمه یافته و نوع جدیدی از مخاصمه آغاز می‌گردد (Sarkees and et al, 2003: 24-25).

بین‌المللی شدن مخاصمه با گروه‌های فراملی همان مشکلات بین‌المللی دانستن مخاصمه با آنها را به دنبال دارد. بسیاری از گروه‌های فراملی تحت حمایت دولت میزبان خود نیستند و دولت متخاصم نیز نسبت به دولت میزبان اعلام جنگ نمی‌کند؛ بلکه، عموماً با استناد به دفاع مشروع در مقابل بازیگران غیر دولتی حمله‌ای می‌شود و سپس عقب‌نشینی می‌شود.

#### ۸- ضرورت ماهیت نوین: مخاصمه در حکم غیربین‌المللی

برخی حقوق‌دانان مدعی هستند که چون حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمان گذشته تدوین شده است، نسبت به چالش‌های نوین معاصر و انواع مخاصمات مانند مخاصمه با گروه‌های مسلح فراملی کافی به نظر نمی‌رسد و لذا باید با واقعیت‌های نوین تطبیق داده شود (Sassoli, 2006: 20). طبق نظر این گروه قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه کافی نبوده و در صورتی که قواعدی جدید برای وضعیت‌های خاص اضافه نگردد، چنین وضعیتی منجر به نتایج فاجعه بار در زمینه حقوق مخاصمات خواهد شد. هر سرباز، پلیس یا بازجو که دشمن را مورد فشار قرار می‌دهد، ممکن است این قواعد را در وضعیت‌هایی که در آن درگیر می‌باشند، ناکافی دانسته و در شرایط مواجهه، آن قواعدی را که رعایت آنها را آموزش دیده‌اند (مانند ممنوعیت شکنجه) را نادیده بگیرند. در حقیقت، همین اصول و قواعد حقوق بشردوستانه است که مانع می‌شود این سرباز، پلیس یا بازجو کارهای اضافی خطرناک نکند. در واقع، مخاصمات مسلحانه فراملی باید از سطح حمایتی بالاتری برخوردار باشد؛ چرا که، حاکمیت دولت مانعی برای حمایت بیشتر از شورشیان می‌باشد (Schondorf, 2004: 21).

در مقابل برخی معتقدند اگر مقررات کنوانسیون‌های ژنو به همراه پروتکل‌های الحاقی مربوطه به درستی درک گردند کلیه جنبه‌های مخاصمات مسلحانه از جمله گروه‌های مسلح فراملی کفایت کرده و آن را تحت پوشش قرار می‌دهد (Sassoli, 2006: 2). با این حال در گفتگوهای مقدماتی مربوط به مواد ۲ و ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو توسط نمایندگان دیپلماتیک دولت‌ها، هیچ نشانه‌ای مبنی بر در نظر گرفتن این نوع از مخاصمات مسلحانه در زمره مخاصمات مسلحانه بین‌المللی یا غیربین‌المللی وجود نداشته است. برخی از مفسیرین ماهیت مخاصمه با گروه‌های فراملی در خارج از سرزمین را ماهیتی ترکیبی می‌دانند که نه مخاصمه ای بین‌المللی است و نه مخاصمه‌ای غیر بین‌المللی است؛ بلکه، این مخاصمات به نوعی بین این دو وضعیت قرار می‌گیرد (Graham, 2012: 43 and 51).

این فرضیه مبتنی بر طبقه‌بندی جدیدی از مخاصمات مسلحانه بر مبنای حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی می‌باشد که وابسته به طبقه‌بندی مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و یا

غیربین‌المللی نباشد (Graham, 2012: 48). با تقسیم قواعد حقوق بشردوستانه به قواعد شکلی و ماهوی می‌توان این فرضیه را اثبات نمود: قواعد ماهوی مذکور در ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی برای حمایت از اشخاص و اموال چنانچه جنبه عرف بین‌المللی پیدا کنند در وضعیت مخاصمه مسلحانه علیه گروه‌های مسلح غیردولتی در خارج از سرزمین دولت متخاصم نیز قابل اعمال خواهد بود. در واقع هرچند تعریف مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی که جنبه شکلی دارد به آسانی در حقوق عرفی تغییر نمی‌یابد، اما محتوای حقوق بشردوستانه مذکور در این اسناد بین‌المللی می‌تواند برای چنین وضعیت‌هایی از مسیر عرف بین‌المللی قابل اعمال باشد.

در واقع به نظر می‌رسد برای بسط و توسعه مقررات مربوط به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، باید آنها را در استانداردهای حقوق بین‌الملل عرفی گنجانند. این استانداردها باید برای کلیه مخاصمات مسلحانه بین یک دولت و گروه‌های مسلح غیردولتی اعمال گردد. در این صورت هرچند وضعیت مورد نظر یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی با تعاریف کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی نیست، اما از آنجا که قواعد حقوق بشردوستانه مربوط به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی می‌تواند -یا باید- در این مخاصمات اعمال شود، می‌توان این مخاصمات را «مخاصمه مسلحانه در حکم غیربین‌المللی» نامید. با این حال، نمی‌توان سایر تعهدات بین‌المللی مربوط به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی را به راحتی به این مخاصمات تعمیم داد؛ مثل اینکه جرایم جنگی ارتكابی در این مخاصمات در چارچوب مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی تعریف شود. تعمیم قواعد ماهوی حقوق بشردوستانه مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی به جهت ضرورت‌های انسانی است که این ضرورت برای قواعد شکلی وجود ندارد.

#### ۹- بررسی موردی مخاصمه مسلحانه با گروه‌های مسلح فراملی در سوریه

مطابق با قطعنامه شماره ۲۲۴۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد مصوب ۲۰ نوامبر ۲۰۱۵، کشورهای اروپایی اهداف نظامی گروه‌های القاعده و داعش را در خاک سوریه و عراق مورد حمله قرار دادند. در واقع، دولت سوریه که با سه گروه مسلح غیر دولتی (داعش، القاعده و

مخالفان حکومت مرکزی) در خاک خود در حال مخاصمه بود و یارای بیرون راندن گروه های القاعده و داعش را که اعضای اصلی آن غیر سوری بودند را نداشت، بواسطه این قطعنامه بصورت غیر مستقیم برای بیرون راندن این گروه های مسلح مورد حمایت نظامی واقع گردید. همچنین کمک های مستشاری نظامی ایران و کمک های نظامی روسیه به دولت سوریه نیز بنابر درخواست کمک دولت حاکم سوریه انجام شد.

دولت ایالات متحده آمریکا پیشتر و در سال ۲۰۱۴ نیز به نیروهای داعش در سوریه و عراق به همراه دولت های عربی و غربی حمله کرده بود. این دولت در مرحله نخست مدعی بود که بنابر اوضاع و احوال دولت سوریه (نظامی و سیاسی)، این کشور در زمره دولت های ناتوان قرار داشته و لذا به استناد اصل دفاع جمعی (حمایت از دولت عراق)، دکترین مداخله بشردوستانه و همچنین دفاع پیش دستانه، توسل به زور در قلمرو چنین دولتهایی ناقض حقوق بین الملل نمی باشد (Scharf, 2016: 5). ایالات متحده آمریکا توسط نماینده دائم خود در سازمان ملل متحد ضمن ارایه نامه ای به تاریخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۴ به این سازمان دلایل حمله خود را بدین شرح اعلام می کند:

«عراق بوضوح اعلام کرد که با تهدید جدی داعش (دولت اسلامی شام و عراق) از پناهگاه های امن این بازیگر غیر دولتی در سوریه مواجهه می باشد. این پناهگاه های امن برای آموزش، طرح ریزی حملات، حمایت مالی و انجام حملات مسلحانه در امتداد مرزهای عراق علیه اتباع عراق استفاده می شود. بنابراین دلایل، دولت عراق از ایالات متحده آمریکا درخواست می نماید که تلاشهایی بین المللی برای حمله به داعش و پایگاه های نظامی این گروه در سوریه را برای خاتمه دادن به حملات علیه عراق و حمایت از شهروندان عراقی و در نهایت توانمند ساختن نیروهای نظامی عراقی برای انجام وظایف خود جهت بدست آوردن کنترل مجدد مرزهای عراق رهبری نماید. گروه داعش و سایر گروه های تروریستی در سوریه نه تنها فقط تهدیدی برای عراق بلکه همچنین برای تعدادی از کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا، هم پیمانان ما در منطقه و ورای منطقه می باشد. آمریکا باید بنابر اصل ذاتی دفاع فردی و جمعی قادر باشد مطابق با ماده ۵۱ منشور ملل متحد از خود دفاع نماید. زیرا، با دولتی

مواجه هستیم که یک تهدید در سرزمین آن وجود دارد که توانایی جلوگیری استفاده از سرزمین خود برای انجام چنین حملاتی علیه سایر دولت‌ها را ندارد. دولت سوریه نشان داده است که نه تمایل و نه توانایی مبارزه علیه پناهگاه‌های امن این گروه‌ها در سرزمین خود را دارد؛ لذا، دولت ایالات متحده آمریکا اقدامات لازم و متناسب نظامی را در سوریه به منظور از بین بردن تهدید محتمل الوقوع داعش به عراق را که شامل حمایت از شهروندان عراقی از حملات آتی و توانمند نمودن نیروهای نظامی این کشور جهت کنترل مرزهای خود می‌باشد را آغاز نمود.<sup>۱</sup>

همانگونه که از مفاد نامه فوق استنباط می‌گردد، حمله به پایگاه‌های امن داعش در سوریه با این شرایط بوده است: الف- خطر داعش عراق را تهدید می‌نمود کمک و یاری از دولت ایالات متحده آمریکا نموده بود؛ ج- داعش سوریه را برای خود پناهگاه امن قرار داده بود؛ د- دولت سوریه قادر نبود که به گونه‌ای موثر با این گروه مقابله نماید. ؛ ب- دولت عراق درخواست

عطف به حمله نظامی سال ۲۰۱۴ ایالات متحده آمریکا و حمله نظامی سال ۲۰۱۵ کشورهای اروپایی در سرزمین سوریه علیه نیروهای داعش، باید گفت در صورتی که مخاصمه دولت‌های خارجی در سوریه را همزمان علیه دولت سوریه و علیه برخی گروه‌های فراملی فرض کنیم، در این صورت با یک وضعیت مخاصمه مسلحانه بین‌المللی مواجه هستیم (Hoffmann, 2015: 28) که حمایت‌های کامل حقوق بشردوستانه در آن اعمال می‌شود و لذا نیازی به جستجوی ماهیت مخاصمه برای مبارزه با گروه‌های فراملی وجود ندارد. به عبارت دیگر، صرف نظر از ماهیت مخاصمه با این گروه‌ها، حقوق بشردوستانه مخاصمات مسلحانه بین‌المللی در سرتاسر سرزمین سوریه در زمان حضور نیروهای نظامی خارجی نسبت به نیروهای نظامی و غیرنظامی اعمال می‌شود

<sup>۱</sup> . Letter from Samantha J. Power, Representative of the United States of America to the United Nations, to Ban Ki-moon, Secretary-General of the United Nations (Sept. 23, 2014), available at <https://www.justsecurity.org/15436/war-powers-resolution-article-51letters-force-syria-isil-khorasan-group/> [https://perma.cc/2Z37-LHPC].

اما اگر دولت سوریه را طرف مخاصمه مسلحانه دولت‌های خارجی ندانیم، موضوع ماهیت مخاصمه با گروه‌های فراملی مطرح می‌شود. با توجه به عنصر سرزمینی در تعریف مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی که مورد توجه مذاکره‌کنندگان کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل دوم الحاقی بوده است به سختی می‌توان مبارزه کشورهای خارجی علیه داعش در سرزمین سوریه را از جمله مخاصمات مسلحانه بین‌المللی دانست. به همین جهت به نظر می‌رسد با هدف جلوگیری از خلاء حقوق بشردوستانه در این مخاصمه، همچون سایر مخاصمات با گروه‌های فراملی، این مخاصمه را در چارچوب دکترین ارائه شده یعنی مخاصمه در حکم غیربین‌المللی بدانیم؛ یعنی مخاصمه‌ای که در ادبیات حقوق مخاصمات مسلحانه نه بین‌المللی و نه غیربین‌المللی است اما حمایت‌های بشردوستانه مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی را با خود خواهد داشت (Hoffmann, 2015: 28)

#### ۱۰. جمع بندی و نتیجه گیری :

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به همراه پروتکل‌های الحاقی آن بر گرفته از حقایق، واقعیت‌ها و آلام موجود در جنگ جهانی دوم و جنگ‌های پیش از آن بوده است؛ در حالیکه، سنگ بنای مخاصمات مسلحانه فراملی، کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی می‌باشد. حقوق‌دانان و جامعه بین‌المللی بر مبنای اصول و قواعد این کنوانسیون‌ها اقدام به تعریف این نوع از مخاصمات نموده و سعی کرده اند برای آن یک قالب و طبقه بندی مشخص نمایند.

بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نوشته‌ها و استدلال‌های بسیاری ارایه شد که بیان می‌کند طبقه بندی مذکور در حقوق توسل به زور برای حل چالش معاصر در باب مخاصمات مسلحانه فراملی علیه گروه‌های مسلح فراملی مانند القاعده (و وابستگان جهانی این گروه) از کفایت لازم برخوردار نمی‌باشد. به عبارت دیگر در مخاصمه علیه گروه‌های مسلح غیردولتی در خارج از سرزمین دولت و در جایی که مخاصمه با دولت میزبان این گروه‌ها مستقیماً جریان ندارد، مسئله ماهیت مخاصمه مورد اختلاف بوده است.

در طبقه بندی مخاصمات مسلحانه فراملی دو نظریه افراطی هم وجود دارد؛ یک نظریه معتقد است این نوع مخاصمات اصلاً جزو مخاصمات مسلحانه نمی‌باشند و لذا باید توسط

حقوق بین‌الملل بشر بطور کامل نظام مند شوند. نظریه دیگر این است که این نوع مخاصمه یک سیاه چاله حقوقی و قانونی ایجاد کرده است؛ چرا که این مخاصمات جزء مخاصمه مسلحانه می باشد، ولی توسط حقوق بین‌الملل بشردوستانه قاعده مند نشده است. در این نگرش، قواعد و اصول حقوق بشردوستانه بین‌الملل باید اصلاح شده تا بقدر کفایت بتواند مخاصمات جدید از نوع گروه های مسلح فراملی را تحت پوشش خود قرار دهد.

صرف نظر از این نظریات غیرواقع بینانه، فرضیه های مختلفی راجع به ماهیت مخاصمه مسلحانه فراملی مطرح بوده است. یک بینش عمده این بوده است که مخاصمات مسلحانه باید در معرض مقررات قانونی قرار گیرد و هر مخاصمه ای که در طبقه بندی مخاصمات مسلحانه بین‌المللی قرار نمی گیرد، لاجرم باید در حوزه مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی قرار گیرد. در مقابل برخی معتقدند که اینگونه مخاصمات در هر صورت مخاصمه بین‌المللی هستند. در این میان، کسانی هستند که معتقدند این نوع مخاصمه هم بین‌المللی و هم غیر بین‌المللی است و به فراخور این دو وضعیت حقوق بین‌الملل بشردوستانه باید اعمال گردد. در شرایطی هم ممکن است ادعا شود که با مخاصمه مسلحانه بین‌المللی شده مواجه می باشیم. تمام فرضیه های مورد اشاره در مقام نظریه و یا عمل با مشکلاتی مواجه هستند و لذا نمی تواند در تعیین ماهیت اینگونه مخاصمات، راه حل مناسبی باشد.

به نظر می رسد با تفکیک میان قواعد ماهوی و شکلی مندرج در اسناد مربوط به تعریف مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی بتوان این مشکل را حل نمود. به عبارت دیگر، می توان گفت که قواعد ماهوی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه به جهت ضرورت های انسانی تا جایی که جنبه عرف بین‌المللی پیدا کنند بر مخاصمات مسلحانه علیه گروه های فراملی هم اعمال می شود؛ هرچند که نتوان این وضعیت ها را مصداق تعریف شکلی مندرج در این اسناد دانست. در این صورت، با مخاصمه ای مواجه هستیم که خارج از تعریف مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی قرار دارد، اما قواعد مورد اخیر بر آن قابل اعمال است. این وضعیت، مشابه وضعیت حقوق داخلی - یعنی جایی که حکمی برای موضوعی فرض می شود مانند در حکم مال غیرمنقول - به «مخاصمه در حکم غیربین‌المللی» قابل تعبیر است.

## کتابنامه

منابع فارسی:

کتاب:

۱. روسو، شارل، (۱۳۶۹)، **حقوق مخاصمات مسلحانه**، مترجم سید علی هنجنی، ج ۱، چ ۱، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
۲. سیاه رستمی، هاجر و همکاران، (۱۳۹۰)، **حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری های مسلحانه**، تهران: کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران، چاپ پور روشن.

مقاله:

۳. حبیب زاده، توکل، (۱۳۸۶)، «حقوق بین‌الملل بشردوستانه و مبارزه با تروریسم»، **معارف اسلامی و حقوق**، ش اول، س هشتم (بهار و تابستان)، صص ۶۱-۹۸.
۴. حیدر قلی زاده، جعفر و دیگران، (۱۳۹۶)، «دگردیسی مفهومی تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل»، **دو فصلنامه حقوق بشر اسلامی**، ش ۱۲، س ششم، (بهار و تابستان)، صص ۱۰۱-۱۵۸.
۵. خلف رضایی، حسین، (۱۳۹۸)، «گروههای مسلح فراملی و اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، ش ۶۱ (پاییز و زمستان)، صص ۲۵۱-۲۷۹.
۷. دلخوش، علیرضا، (۱۳۸۷)، «حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی: تفاوت ها و اشتراکات»، **فصلنامه سیاست خارجی**، شماره ۴، س ۲۲ (زمستان)، صص ۹۸۱-۱۰۰۴.
۸. سلیمی ترکمانی، حجت، (۱۳۹۸)، «مسئولیت بین‌المللی اقدامات داعش در عراق»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۶۱ (پاییز و زمستان)، صص ۲۸۱-۳۰۹.
۹. ضیایی، سید یاسر، (۱۳۸۹)، «تأملی بر وضعیت شورشیان از منظر حقوق توسل به زور»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۴۲، س بیست و هفتم، صص ۱۶۷-۱۹۰.



۱۰. محبی، محسن و شفیعی، ایمان، (۱۳۹۶)، «تحول مفهوم دفاع مشروع: حقوق بین الملل و بازیگران غیر دولتی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۱، صص ۹۰-۱۱۳.
۱۱. یاوریس، ساندوز، (۱۳۸۲)، «مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین الملل: خطرات و فرصتها»، مترجم سوزاری حسن، مجله حقوقی، شماره ۲۹ (پاییز)، صص ۳۳۱-۳۸۲.

منابع انگلیسی:

#### Books:

12. Boothby William H., (2014), **Conflict Law-The Influence of New Weapons Technology**, the Netherland, the Hague, Springer, Asser Press Publications e-book, Chapter 2.
13. Coller Arthur Van, (2015), **An Evaluation of the Meaning and Practical Implication of the Concept of "Direct Participation in Hostilities"**, Johannesburg, South Africa, Faculty of Law, University of Pretoria.
14. Duffy Helen, (2005), **War on Terror and the Framework of International Law**, 1<sup>st</sup> edn., New York, USA, Cambridge University Press.
15. Pictet Jean, (1952), **Commentary on the Geneva Conventions of 12 August 1949**, ICRC, Geneva.
16. Zegveld Liesbeth, (2002), **Accountability of Armed Opposition Groups in International Law**, New York, USA, Cambridge University Press.

#### Articles:

17. Akande Dapo, (2012), «Classification of Armed Conflict: Relevant Legal Concept», In: Wilmsurst E (Edited) **International Law and the Classification of Conflicts**, Oxford University Press, Vol. ? : 32-78.
18. Balendra Natasha, (2008), «Defining Armed Conflict», **Cardozo Law Review**, Vol. 29: 2462- 2512.
19. Chelimo C. Gertrude, (2011), «Defining Armed Conflict in International Humanitarian Law», **Inquiries Journal**, Vol. 3: ?, No. 4.
20. Corn Geoffrey S., (2007), «Hamdan, Lebanon, and the Regulation of Hostilities: The Need to Recognize a Hybrid Category of Armed Conflict», **Vanderbilt Journal of Transnational Law**, Vol. 40: 295-355.

21. Dominika Svarc, (2008), «The Law of Armed Conflict and Irregular Warfare: Real and Perceived Normative Challenges», **paper prepared for presentation at the annual meeting of the American Political Science Association**, Boston, (28-31 August).
22. Eric A. Heinze, (2009), «Non-State Actors and the Evolution of the law of Armed Conflict», paper presented for presentation at the International studies Association Annual Meeting, New York, U.S.A.
23. Graham David E., (2012), «Defining Non-International Armed Conflict: A Historically Difficult Task», **U. S Naval War College**, International Law Studies, Vol, 88: 43-55.
24. Hakimi Monica, (2015), «Defensive Force against Non-State Actors: The State of Play, International Law Studies», **U.S. Naval War College**, Vol. 91: 1-31.
25. Jinks Derek, (2003), «September 11 and the Laws of War», **Yale Journal of International Law**, Vol. 28: 1-49, Issue I.
26. Konstantinos Mastorodimos, (2014), «Belligerency Recognition: Past, Present and Future», **CONN. J. INT'L L.**, Vol. 29: 301-318.
27. Lubell Noam, (2012), «The War against Al-Qaeda, In International Law and the Classification of Conflicts» (edited by Elizabeth Wilmshurst), **Oxford University Press**, UK, 421-454.
28. Murphy Sean D., (2007), «Evolving Geneva Convention Paradigms in the "Wars on Terrorism", Applying the Core Rules to the Release of Persons Deemed "unprivileged Combatants"», **George Washington University Law School**, GW Law Faculty Publications & Other Works, Law Review, Vol. 75: 1-53
29. O'Connell Mary Ellen, (2010), «Saving Live through a Definition of International Armed Conflict», 10<sup>th</sup> Burge Colloquium on Armed Conflicts and Parties to Armed Conflicts Under IHL: Confronting Legal Categories to Contemporary Reality, **College of Europe**, Vol. 40: 19-28.
30. Paulus Andreas & Vashalunadze Mindia, (2009), «Asymmetric War and the Notion of Armed Conflict -A Tentative Conceptualization», **International Review of the Red Cross**, Vol. 91: 95-125,.

31. Radin Sasha, (2013), "Global Armed Conflict? The Threshold of Extraterritorial Non-International Armed Conflicts", *International Law Study, U.S. Naval War College*, No. 873, Issue 3, Vol. 89: 696-743.
32. Rona Gabor, (2003 Summer/Fall), «Interesting Times for International Humanitarian Law: Challenges from the “War on Terror”», *the Fletcher Forum of World Affairs*, No.2, Vol. 27: 55-74.
33. Sarkees Meredith Reid et al., (2003), «Inter-State, Intra-State, and Extra-State Wars: A Comprehensive Look at Their Distribution over Time», *International Studies Quarterly*, Vol. 47: 49-70.
34. Sassoli Marco, (2004), «Use and Abuse of the Laws of War in the War on Terrorism», *Law and Inequality: A Journal of Theory and Practice, University of Minnesota*, Issue: 2, Vol. 22: 195-221.
35. Sassoli M., (2006), «Transnational Armed Groups and International Humanitarian Law», *Program on Humanitarian Policy and Conflict Research, Harvard University*, Occasional Paper Series, Number 6.
36. Scharf Michael P., 2016, «How the War against ISIS Changed International Law», *Case Western Reserve Journal of International Law*, Vol. 48: 2-54.
37. Schmitt Michael N., (2012), «Classification in Future Conflict», *Unknown Publisher*, OUP Corrected Proof, Vol. 14: 455-477.
38. Schondorf, (2004), «Extra-State Armed Conflicts: Is there a need for a New Legal Regime?», *New York University Journal of International Law and Policy*, Vol. 37:1-78.
39. Shereshevsky, (2016), «Politics by Other Means: The Battle over the Classification of Asymmetrical Conflicts», *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, Vol. 49: 455-498.
40. Sivakumaran Sandesh, (2011), «Re-envisaging the International Law of Internal Armed Conflict», *EUR. J. INT’L L.*, Vol. 22: 219-264.
41. Slaughter Anne- Marie and White William Burke, (2002), «An International Constitutional Moment», *Harvard International Law Journal*, , No. 1, Vol. 43: 1-21.

42. Vite Sylvain, (2009), «Typology of Armed Conflicts in International Humanitarian Law: Legal Concepts and Actual Situations», **International Review of the Red Cross**, No. 873, Vol. 91: 69-94.
43. Yair M. Lootsteen, (2000), «The Concept of Belligerency in International Law», **MIL. L. REV.**, Vol.166: 109-139.

**Documents:**

44. African Union Convention for the Protection and Assistance of Internally Displaced Persons in Africa (“Kampala Convention”), 22 October 2009.
45. African Union, African Union Non-Aggression and Common Defence Pact, 2005, art. 1(c) (xi).
46. ICRC Opinion paper, (2008 March) «How is the Term "Armed Conflict" Defined in International Humanitarian Law?».
47. Israel Law Report, (2006), «Public Committee against Torture V. Government», High Court of Justice (HCJ) 769/02: 459-529, Par. 18 and 21.
48. ICJ, (Oct. 2, 1995), «Decision on Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction», Prosecutor V. Tadic, Case No. IT-94-1-I.
49. United Nations Security Council, 2004 (28 April), S/RES/1540.
50. U.N. Special Comm., II Final Record of the Diplomatic Conference of Geneva of 1949, sec. B.
51. US Supreme Court, 2006, Case Regarding Hamdan V. Rumsfeld, Secretary of Defense, Et al, 548 U. S. 557.
52. Vienna Convention on the law of treaties, Concluded at Vienna on 23 May 1969.

**Thesis:**

53. Eechaute Hannes, 2015-2016, «Non-international armed conflict: a trigger for the rules on targeting?», Universiteit Gent, Faculteit Rechtsgeleerdheid, Degree of Master of Law, Ghent, Belgium.

**Site:**

54. Hoffmann Tomas, (revised 2015), «Squaring the Circle? International Humanitarian Law and Transnational Armed Conflicts». Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1734486> Accessed August 4, 2020.

55. Letter from Samantha J. Power, (Sept. 23, 2014), «Representative of the United States of America to the United Nations, to Ban Ki-moon, Secretary-General of the United Nations», available at <https://www.justsecurity.org/15436/war-powers-resolution-article-51letters-force-syria-isil-khorasan-group/> [<https://perma.cc/2Z37-LHPC>].
56. Masters Jonathan, (2013), «Targeted Killing, Council on Foreign Relations», U.S. Foreign Affairs, Unknown page. Com <http://www.cfr.org/background/targeted-killing>. Accessed August 11, 2020.
57. Sarkees Meredith Reid, (2000), «The Cow Typology of War: Defining and Categorizing Wars (Version 4 of the Data) », Codebook for the Intra-State Wars. - COW Website - Typology of war.pdf Accessed August 23, 2020.